



گزیده مقاله‌شناسی توصیفی

زمستان ۱۳۸۰

به کوشش کیسو فغوری

✓ بنیان / شماره ۸ / اسفند ۱۳۸۰

آقایان منتظر مارکز هستند!

نویسنده: حسین ابراهیمی (الوند)

مقاله

کتاب سال، یعنی بهترین کتابی که در سال مورد نظر منتشر شده است. در هیچ کجا از این دو کلمه، بهترین کتابی که هیأت داوران در سراسر عمرشان خوانده‌اند، برداشت نمی‌شود. باید به صراحت، به این بزرگواران گفت که توقعات خود را با واقعیت‌های موجود جامعه فرهنگی ما یکی نکنید. بضاعت ادبیات تألیفی کودک و نوجوان ما همین است. آن را بشناسید و برای رشد آن، نویسندگان این عرصه را تشویق کنید.

در حال حاضر، تقسیم‌بندی کتاب سال کودک و نوجوان درست نیست. فقط کتاب‌های رمان نوجوان، شایسته دریافت جایزه - تازه اگر انتخاب شوند - نیستند. موضوعات مختلف، مانند کتاب تصویری، شعر و رمان و حتی علمی و ترجمه را باید مجزا کرد تا هر کدام در گروه خود، مقایسه و تشویق شوند. باید بین داور کتاب کودک و داور کتاب نوجوان تفاوت باشد؛ چه رسد به داور کتاب‌های تألیفی و کتاب‌های ترجمه.

متأسفانه، ترجمه کتاب‌های کودک و نوجوان، بیش از تألیف، مورد بی‌مهری است. توجه و استقبال از ترجمه‌های خوب، باعث شده است تا برخی توجه نکنند که برتری ادبیات کودک جهان، چه به لحاظ قدمت و چه به لحاظ کیفیت، امری طبیعی است.

در ترجمه، ما با کل جهان مرتبیم، در حالی که در تألیف، با تعداد معدودی نویسنده خودمان طرف هستیم. ما چهره‌های ماندگاری داریم که آثار ماندنی و خواندنی کم ندارند، اما تردید نباید کرد که ما در

این زمینه، قدرت برابری با کل جهان و حتی برخی از کشورهای آن را نداریم.

وقتی قرار است قاضی باشند، باید همه را به یک چشم نگاه کنند. آیا هر نویسنده یا مترجم یا مقاله‌نویس، حتی موفق‌ترین‌شان، شایستگی قضاوت هم دارد؟

آقایان! منتظر ظهور هیچ مارکزی در ادبیات کودک و نوجوان نباشید. کتاب سال جمهوری اسلامی را جدی بگیریم و بیش از این، در جهت بی‌اعتبار کردنش تلاش نکنیم.

✓ جام جم / ۲۷ اسفند ۱۳۸۰

اهل عشق آباد

(نگاهی به کتاب اسب و سیب و بهار)

نویسنده: مهرداد گل‌خسروی

نقد

کتاب «اسب و سیب و بهار»، بسیاری از قالب‌های داستان‌نویسی معمول را در هم می‌شکند و به همراه تصاویر آبرنگ، به بیان داستان برای کودکان و نوجوانان می‌پردازد.

نویسنده، علاوه بر به خدمت گرفتن نقاشی آبرنگ که برخلاف سایر نقاشی‌ها ملایمت خاصی

دارد، از امکانات زبانی نیز بهره گرفته است. فواصل میان جملات و بندهای کتاب، تک‌کلمه‌ها و عنوان گونه‌های پیش از هر بند و تکرار حرف «س» در نام نویسنده کتاب، از تکنیک‌های نوشتاری نیز به خوبی استفاده کرده است. او برای بیان سکوت و گذر زمان در داستان، از فواصل میان خطوط استفاده کرده است. به عبارتی، خطوط خالی و سفید، نشان‌دهنده سفر و گذر زمان است. این سفر در ذهن خواننده می‌گذرد تا به لحظه‌ای برسد که داستان سیر خود را از سر می‌گیرد.

علاوه بر نزدیکی آوایی بین «سیب»، «اسب» و «پسرک»، این سه که در ابتدای داستان تنها هستند، در بخش آخر کتاب، با تجربه کردن عشق، از تنهایی رها می‌شوند و حیات‌شان، از این راه پایدار می‌ماند.

✓ نوز / شماره ۲۷۷

انجمن با همیزی پیش از چاپ، مخالف است
گفت‌وگو با مهدی جوانی، دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان

گفت‌وگو

مهدی جوانی، دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، در این گفت‌وگو که در آغاز چهارمین سال تأسیس انجمن، انجام شده است، درباره ضرورت تشکیل انجمن سخن گفت.

وی گفت: برخی از کارهایی که انجمن‌های صنفی انجام می‌دهند، اصولاً درباره نویسندگان بی‌معنی است. مثلاً صدور پروانه کسب، اصلاً برای نویسندگان معنی ندارد. از سوی دیگر، نویسندگان به اعتبار نویسنده بودن‌شان، رابطه مزدبگیری دائمی یا کارگر و کارفرمایی یا کسی ندارند و در چارچوب قانون کار قرار نمی‌گیرند.

وی افزود: آن اوایل که ما در هیأت مؤسس بحث می‌کردیم، به دلیل همین مشکل، تصمیم گرفتیم از وزارت ارشاد تقاضای مجوز کنیم تا مرحله تأسیس انجمن را بگذرانیم و بعد سر فرصت، راه‌های افزایش ظرفیت‌های صنفی و حرفه‌ای انجمن را در چارچوب مقررات دنبال کنیم.

جوانی ادامه داد: البته، مقررات وزارت ارشاد

سه شخصیت اصلی داستان «اسب»، «سیب» و «پسرک»، از مواردی است که در این اثر به آن پرداخته شده است.

هم مشکلات خاص خود را داشت و اولین مشکل آن، تفکیک صنفی از فرهنگی بود. ما باید اساسنامه‌ای آماده می‌کردیم که به تصویب هیأت نظارت بر انجمن‌ها و مؤسسات فرهنگی می‌رسید. بر این اساس، مجوز تأسیس انجمن را از وزارت ارشاد گرفتیم و سپس رسماً نام انجمن، در ثبت شرکت‌ها ثبت شد. در این مدت، سعی کرده‌ایم در آن حد که اساسنامه اجازه می‌دهد، مسایل صنفی نویسندگان کودک و نوجوان را هم پی‌گیری کنیم و با جدیت پی‌گیری کرده‌ایم. ضمن این که گاهی تفکیک امور صنفی و فرهنگی، در حوزه‌ای که ما فعالیت می‌کنیم، چندان کار آسانی نیست؛ زیرا بعضی از امور فرهنگی می‌تواند نتیجه صنفی داشته باشد.

وی به عنوان مثال، بیان کرد: مثلاً وقتی شما طرح تحقیقی، پژوهشی، آموزشی یا تألیفی و امثال آن را در انجمن دنبال می‌کنید که گروهی از اعضا را پوشش می‌دهد و به ارتقای دانش، افزایش انگیزه‌ها و... در زمینه تولید ادبی منجر می‌شود، در عمل یک حرکت صنفی انجام داده‌اید، اگر چه ظاهرش یک حرکت فرهنگی به نظر می‌رسد.

مهدی جوانی، در ادامه توضیح داد: گاهی امور رفاهی با امور صنفی خلط می‌شود. ما باید این دو را از هم تفکیک کنیم. اگر چه انجمن تلاش می‌کند در امور رفاهی هم فعال باشد و هست، امور صنفی برای ما مهم‌تر است. امور صنفی، اموری است که نویسندگان به اعتبار نویسنده بودن، با آن ارتباط دارند. اما امور رفاهی اطلاق عام دارد و می‌تواند در هر صنفی، بدون هویت و حوزه فعالیت صنفی یا حرفه‌ای و اختصاصی آن، معنی پیدا کند.

وی گفت: داشتن مسکن یا تشکیل تعاونی مسکن، یک امر رفاهی عمومی است؛ چون داشتن مسکن، از جمله نیازهای بسیار مهم انسان است. فارغ از این که نویسنده باشد یا نباشد، اما آزادی بیان، نیاز نویسنده است به اعتبار این که نویسنده است. همچنین، حق ثبت اثر و مالکیت مطمئن آن،



خوب گوش دادن را یاد بگیرند و دقت‌شان تقویت شود. به این ترتیب، قدرت یادگیری کودکان بهتر می‌شود. از طرف دیگر، شنیدن قصه، قوه تخیل و تفکر کودک را هم تقویت می‌کند و به او کمک می‌کند تا در مقابل مشکلات، بهتر بیندیشد و راه‌حل پیدا کند. در ضمن، قصه سرگرمی خوب و لذت‌بخشی برای کودکان به حساب می‌آید و جلوی گرایش به بسیاری از سرگرمی‌های نامناسب را می‌گیرد.

نویسنده در ادامه این مطلب، به مواردی مانند نقش بزرگ‌ترها در قصه‌گویی، زمان قصه‌گویی، چگونه قصه گفتن، وسایلی که در قصه‌گویی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد، حضور بچه‌های بزرگ‌تر در قصه‌گویی، شرایط یک قصه خوب، کتابخانه سیار و کتاب‌سازی برای نوزادان پرداخته است.

✓ تک/ شماره ۱۲۹ / دی ۱۳۸۰

بجای در باره یادمان صمد بهرنگی

نویسنده: اسد بهرنگی

مقاله

این مطلب، یادداشتی بر کتاب «یادمان صمد بهرنگی»، تألیف علی‌اشرف درویشیان است. گمان نمی‌کنم کتاب ارزشمند «یادمان صمد بهرنگی»، حتی نیمی از کل نوشته‌های صمد را شامل شود. کتاب به خصوص از مقالات و اشعاری که در دهه کنونی، در شهرستان‌ها و در روزنامه‌های محلی نوشته شده خالی است. اما این از ارزش کتاب نکاسته است؛ به خصوص که مؤلف کتاب، اکثر مقالات حرف‌برانگیز را که تاکنون دور از دسترس همگان بوده، در کتاب آورده است.

در این‌جا لازم است که ضمن ارج گذاشتن به زحمات مؤلف در تدوین چنین کتابی، نکاتی را یادآور شوم. در فصل «سالشمار» اشتباهاتی رخ داده است. از جمله:

در ذکر وقایع ۱۳۱۸، «کوچه جمال‌آباد» اشتباه

می‌تواند مختص صنف نویسندگان باشد. با این تعریف از مفهوم صنفی بودن، انجمن از همان اولین روز تأسیس، پی‌گیری مستمری داشته است. مثلاً انجمن، به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نامه نوشت و خواهان حذف ممیزی پیش از چاپ کتاب، یعنی سانسور شد.

وی در ادامه، با بیان این موضوع که انجمن، به عنوان یک نهاد مدنی در حوزه فرهنگ، با سانسور و ممیزی پیش از چاپ مخالف است، گفت: انجمن دلایل حقوقی و فرهنگی آن را به تفصیل، در نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی توضیح داده است.

مهدی حجوانی، سپس به بیان دیگر فعالیت‌های صنفی انجمن پرداخت و توضیحاتی در مورد شرایط عضویت در انجمن و نیز ساختار سازمانی آن داد.

✓ اطلاعات / ۱۵ بهمن ۱۳۸۰

بچه‌ها با شنیدن قصه، احساس آرامش و

محبت می‌کنند

مقاله

این مقاله، از مجموعه انتشارات مؤسسه «مادران امروز» آمده است. قصه در رشد بهتر کودکان نقش مهمی دارد. بچه‌ها با شنیدن قصه، احساس آرامش، امنیت و محبت می‌کنند. آن‌ها می‌توانند خودشان را جای شخصیت‌های قصه قرار دهند و خیلی از روابط و کارها را که در زندگی معمول نمی‌توانند تجربه کنند، حس کنند و بشناسند. وقتی برای بچه‌ها قصه می‌گوییم، به آن‌ها نزدیک‌تر می‌شویم و آن‌ها احساس می‌کنند با مادر یا قصه‌گو، رابطه نزدیک‌تر و بهتری دارند و مورد محبت و توجه هستند. بچه‌ها به طور غیرمستقیم، از آنچه در قصه‌ها گفته می‌شود، یاد می‌گیرند و لذت می‌برند.

قصه گفتن برای کودکان، سبب می‌شود آن‌ها

است و این اشتباه را خیلی از نویسندگانی که درباره صمد بهرنگی نوشته‌اند، مرتکب شده‌اند. شاید کسی باور ندارد که محله‌ای به نام «جمال‌آباد» هم وجود داشته است!

در ذکر وقایع سال چهل و دو، درباره کتاب «پاره پاره»، باید گفته شود که برخی شعرها از کتاب «حیدر بابایه سلام» بود و نه «کوراوغلو». ضمناً در همین قسمت، نقل شده که «شروع به ترجمه کتاب خرابکار، ترجمه کلاغ سیاه...» با همکاری بهروز دهقانی بوده که اشتباه است. صمد تمام ترجمه را خود انجام داده است.

برای رفع تمام شبهه‌ها بد نیست عرض کنم که صمد بهرنگی، فقط دو کتاب «افسانه‌های آنریایجان» و «متل‌ها و چیستان‌ها» را با همکاری بهروز دهقانی، گردآوری و ترجمه کرده است و لاغیر.

تبرئه صمد بهرنگی، در دادگاه نظامی، در مرحله تجدیدنظر بود که به سبب تدوین کتاب «پاره‌پاره» تشکیل شده بود. صمد بعد از شش ماه تعلیق از خدمت، به حق خود رسید و تمام حقوق زمان تعلیق را هم گرفت.

قابل ذکر است کتاب‌های «یک هلو، هزار هلو»، «بیست و چهار ساعت خواب و بیداری»، «افسانه محبت» و «کوراوغلو و کچل حمزه»، بعد از مرگ صمد و به کوشش این جانب و بهروز دهقانی، تنظیم و چاپ شده است.

کتاب «ماهی سیاه کوچولو»، درست در روزهای اول مرگ صمد، از چاپ درآمد و او چاپ شده این کتاب را ندید و ما نسخه‌هایی از آن را در مراسم چهلم، سر قبرش به حاضرین هدیه کردیم. این کتاب، به خصوص در بخش شعرهای ترکی، غلط زیاد دارد.

آخرین نکته این‌که‌ای کاش مؤلف، ترجمه فارسی چند مقاله از نویسندگان خارجی و به خصوص نویسندگان جمهوری آنریایجان و ترکیه را که در آن

جاها مطالب زیادی درباره صمد نوشته شده، نقل می‌کرد تا دیدگاه‌های نویسندگان کشورهای خارجی هم درباره صمد بهرنگی، نشان داده می‌شد.

✓ ایران / ۱۷ اسفند ۱۳۸۰

تراژدی کتاب سال کودک و نوجوان

نزارش

این مطلب، شامل نظر عده‌ای از نویسندگان و مترجمان و شاعران کودک و نوجوان، از جمله سپیده خلیلی و سوسن طاق‌دیس، درباره کتاب سال است.

سپیده خلیلی، معتقد است: کسانی که در این سال‌ها جزو هیأت داوران کتاب سال بوده‌اند، از گروه خاصی تشکیل شده‌اند و بیشتر مواقع، آنچه در این جمع مورد نقد قرار می‌گیرد، خود نویسنده یا مترجم است نه اثر او. بنابراین، پیشنهاد می‌کنم که وزارت ارشاد اسلامی، به شکلی، از نظر مخاطبان کتاب‌ها نیز استفاده کند؛ کاری که در بسیاری کشورها انجام می‌شود.

سوسن طاق‌دیس می‌گوید: در هر کجای دنیا، هر انتخابی تحت تأثیر عوامل و شرایط خاص آن فضا قرار دارد و ارزش‌گذاری‌های حاکم بر فضا و فرهنگ آن جامعه، در چنین انتخابی مؤثر است. در یک انتخاب اصولی و منصفانه، مسلماً میزان درک و شناخت کلیت جامعه در درجه اول و میزان درک و شناخت داوران، در درجه دوم مؤثر است. تا جایی که من اطلاع دارم، خلاقیت در اثر، بکر بودن اصل کار و تازگی در نحوه ارائه آن، نقش بسیار بالایی در انتخاب‌های کشورهای دنیا دارد تا حدی که ارزش‌های مؤثر در انتخاب کتاب برگزیده سال قبل، ممکن است در سال جدید، ارزش به حساب نیاید؛ چون تازگی خود را از دست داده است.

از دید این نویسنده، بسیار منطقی است که داوران، هر سال با بررسی ارزش‌های مطرح در سال‌های پیش، به ارزش‌هایی که فراموش شده و یا کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، توجه بیشتری نشان دهند. طبیعی است که داوران باید بی‌غرض و منصف باشند.



کفتوگو

این مطلب، گفتوگویی با جعفر ابراهیمی، از شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان است که هم‌زمان با نگداشت او در کانون، انجام شده است. او می‌گوید: شاعران ما از برخی جنبه‌های شعر کودک، مثل مهمل‌سرایی و طنز، بازمانده‌اند. هم‌چنین، شاعران درجه دو و سه شعر بزرگسالان، به حوزه شعر کودک پای گذاشته‌اند که باعث آشفته‌گی این حوزه شده است.

در شعر کودک، تنها کسی که به طور جدی کار کرده، محمود کیانوش بوده است. عباس یمینی‌شریف و پروین دولت‌آبادی نیز آثاری از خود به جا گذاشته‌اند که در مقایسه با کیانوش، چندان موفق نیست.

ابراهیمی می‌افزاید: در زمینه داستان هم با توجه به جوسیاسی که در آن زمان وجود داشت، بیشتر روی داستان‌های سمبلیک کار می‌شد و مضمون‌ها اغلب بزرگسالانه بود، اما به زبان کودکانه نوشته می‌شد. پس از پیروزی انقلاب، کیهان‌بچه‌ها، محل جالبی بود برای کسانی که کار کودکان را دوست داشتند. آن‌ها آن‌جا جمع می‌شدند و برای کودکان داستان می‌نوشته‌ند و شعر می‌سرودند. در کنار آن‌ها، تصویرگران هم آهسته‌آهسته، کار خود را آغاز کردند. به همین دلیل، تا پنج، شش سال رشد خیلی خوبی در ادبیات کودک کشور اتفاق افتاد.

می‌شود گفت که در این زمینه، به جایی رسیدیم که توانستیم از کشورهای همسایه پیشی بگیریم و در شعر نیز موفق شدیم به آثار برتر اول دنیا پهلو بزنیم.

وی در بخش دیگر از صحبت‌هایش می‌گوید: به نظر می‌آید که چون شعر کودک، راحت خواننده می‌شود، سرودن آن نیز راحت است، در حالی که این طور نیست. معمولاً ساخت شعرهای سهل و ممتنع، خیلی مشکل‌تر است. مثلاً بر اساس گروه‌های سنی

که ما برای کودک و نوجوان قائلیم، شعر گروه‌های مختلف سنی باید با هم فرق کند. این در حالی است که شعرهایی که برای گروه سنی کلاس‌های سوم و چهارم دبستان سروده می‌شود، دارای ویژگی‌های دیگری است. بیشتر شعرها اکنون برای دوره راهنمایی و دبیرستان است. ما معتقدیم که نیازی نیست برای بچه‌های دبیرستان شعر ویژه‌ای سروده شود؛ چون آن‌ها در سنی هستند که می‌توانند از اشعار ویژه بزرگسالان استفاده کنند. بیشتر شاعران قادر نیستند برای گروه‌های سنی پایین شعر بگویند، در حالی که برای نوجوانان، شعرهای خوبی سروده‌اند.

ابراهیمی هم‌چنین می‌افزاید: به اعتقاد من، شاعر کودک بودن، یک امر ذاتی است؛ یعنی حتماً باید شاعر تجربیاتی پر بار از دوران کودکی داشته باشد و حال و هوای آن زمان را به فضای زندگی بچه‌های امروز پیوند دهد. اگر او نتواند این کار را انجام دهد، موفق نخواهد شد.

✓ ایران / ۲۸ دی ۱۳۸۰

چاپ کتاب‌های سطحی، ممیزی آثار ادبی

نویسنده: ماهره ابید

مقاله

با توجه به مقوله «سانسور» می‌توان معضل کتاب‌های کارتونی را که به نوعی ویروس کتاب به شمار می‌آید، از زاویه دیگری بررسی کرد. با در نظر گرفتن این که هیچ ماده قانونی و ضابطه‌ای برای جلوگیری که نه، حتی برای کنترل کتاب‌های بازاری وجود ندارد و با توجه به این که هواداران انتشار این ویروس، عمدتاً متافع مادی خویش را در گرو چاپ این کتاب‌ها می‌دانند و رغدغه فرهنگ و هویت ملی را هم ندارند، این پرسش‌ها را باید مطرح کرد که:

— آیا کتاب‌های کارتونی سبب نشده که سانسور و ممیزی، روی آثار با ارزش ادبی صورت گیرد؟
— آیا هجوم سنگین کتاب‌های بازاری و کارتونی، به ایجاد محدودیت برای آثار جدی ادبی منجر نشده است؟

وزارت ارشاد، برخلاف آنچه تصور می‌کند، امتیاز ممیزی و سانسور آثار ادبی و خلاق و انتشار کتاب‌های کارتونی را به ناشرانی سپرده که ویروس سطحی‌نگری، ساده‌انگاری، بسی‌هویتی، بدسلیقگی، بی‌ذوقی و... را به کودکان و نوجوانان انتقال می‌دهند و فرهنگ ایرانی و ارزش‌ها را سانسور و محدود می‌کنند.

با این حساب، آیا انتشار بی‌رویه کتاب‌های بازاری و کارتونی، گونه‌ای ممیزی آثار ادبی نیست؟ آیا آزادی بی‌حد و حصر کتاب‌های کارتونی و بازاری که با تجاوز به محدوده آثار ادبی، عرصه حضور کتاب‌های خلاق را روز به روز تنگ‌تر و تنگ‌تر می‌کند و امکان چاپ و توزیع را از آن‌ها می‌گیرد، بی‌توجهی و پشت‌پازدن به این شعار مورد قبول همه جوامع و ملل نیست که «آزادی هر کس به اندازه‌ای است که به آزادی دیگری لطمه نزند»؟ و آیا با وجود این، می‌توان گفت که ممیزی لغو شده و یا برعکس، باید گفت که نوک تیز این پیکان، به سمت آثار خلاق و ادبی چرخیده است؟

✓ سیاست روز / ۱۲ اسفند ۱۳۸۰

چیستی افسانه

نویسنده: نسرین هودکی

مقاله

در سیر تکاملی ادبیات، افسانه، گونه قدرتمندی است که سالیان درازی در مرزهای فکری و فلسفی تاخت و تاز کرده است. افسانه‌ها در مشرق‌زمین، همانند مغرب زمین گستردگی ویژه‌ای داشته و دارد. به طور کلی ادبیات، به لحاظ دنیای جدیدی که برای خواننده خلق می‌کند، دارای جذابیت است. دنیایی که خواننده در آن، فقط تماشاچی است و در اغلب موارد با زندگی فردی خواننده تفاوت‌های زیادی دارد، اما اصل موضوع، یعنی چگونگی زیستن به قوت خود باقی است. به هر جهت، در دنیای هنر از جمله ادبیات، تمام صفات متعالی انسانی مورد تأیید گروه هنرمندان است و گسترش روح انسانیت و تقدم وجه انسانی بر وجه حیوانی، از اهداف تمام هنرمندان محسوب می‌شود. به همین دلیل است که در مقوله

هنر، قالب و فرم بر محتوا پیشی می‌جوید. به تعبیر ساده‌تر، هنرمند با درایت و آگاهی خویش و در نظر گرفتن توانایی‌های شخصی خود تشخیص می‌دهد که چه قالبی را برای برقراری ارتباط با مخاطب انتخاب کند تا اثر او بتواند تأثیر لازم و جذابیت کافی داشته باشد.

در یک تعریف کلی، افسانه معمولاً دنیای متصور در داستانی است که در آن دنیا شیوه‌های رویایی کاربرد دارد، قوانین طبیعت به طور کامل صدق می‌کند (مثلاً وقتی نعمتی را از دست بدهی، چیز بهتری کسب می‌کنی)، آرزوها به طور کامل برآورده می‌شود، اتفاقات مطلوب به واقعیت می‌پیوندند، نیروهای جادویی موفقیت کامل دارند، معجزات واقع می‌شوند، قدرت‌های سحرآمیز بر زندگی روزمره استیلا می‌یابند... باید توجه داشت که افسانه‌ها با جملاتی ساده و کوتاه بیان شده و عاری از آرایه‌های ادبی یا بازی‌های لغوی است. شروع افسانه‌ها اغلب مواقع با عبارت‌هایی ساده و سبک است؛ آن‌چنان که خواننده پس از یکی دو خط وارد ماجرای اصلی می‌شود. افسانه نسبت به قصه، جنبه‌های غیرواقعی بیشتری دارد و نسبت به فابل (قصه حیوانات) از پیچیدگی‌ها و باریک‌بینی کمتری برخوردار است. آنچه مسلم است، قدمت افسانه به قدری طولانی است که در مقایسه با سایر مکاتب ادبی نمی‌توان تاریخچه دقیقی برای آن مشخص کرد و در برخی مواقع افسانه با افکار مردم چنان آمیخته شده که جداسازی آن‌ها کاری بس دشوار است. از سوی دیگر، افسانه به داستان اسطوره‌ها نیز شباهت دارد اما همان‌طور که قبلاً بیان شد، افسانه ابعاد کوچک‌تری دارد. به این سبب که از شخصیت‌های معروف کمک نمی‌گیرد و قهرمانان آن اغلب دهقانان، چوپانان یا تاجران و تمام مردم هستند.

افسانه حاوی درس اخلاقی است و می‌کوشد صفات نیک را ترویج کند. افسانه، تأکیدی بر ساختن شخصیت‌های خاص ندارد و نیز نگاه‌ها را به قشر خاصی از جامعه جلب نمی‌کند.

از دیگر خصوصیات افسانه، سهولت روان‌شناسی و رفتارشناسی در آن است. افسانه‌ها را می‌توان به دو گونه افسانه‌های ملی و افسانه‌های

هنری تقسیم کرد.

افسانه‌های ملی، افسانه‌هایی هستند که از قرون گذشته تا به امروز، اغلب به طور شفاهی بیان شده و نسل به نسل انتقال یافته‌اند؛ بدون آن‌که ساختار و یا جریان اصلی آن‌ها تغییر یابد.

افسانه‌های ملی نویسنده خاصی ندارند. به همین سبب، تعیین قدمت آن‌ها کاری ناممکن است. از سوی دیگر، این گروه افسانه‌ها گسترش جهانی نیز یافته‌اند؛ به طوری که کمتر کسی یافت می‌شود که آن‌ها را خوانده یا شنیده باشد، مثل (سئل قرمزی)، دختر خاکسترنشین (سپیندرلا)، زیبای خفته، جک و لویای سحرآمیز، فلوت نواز شهر هاملین، سه خوک «سه برادر» و ملکه برفی.

اما افسانه‌های هنری که قدمت مشخصی دارند، افسانه‌هایی هستند که از افسانه‌های ملی سرمشق گرفته‌اند و دارای شاعر یا مؤلف خاصی هستند. از این دسته می‌توان به نویسنده‌گانی چون گوته، هوفمن اشتال، هرمان هسه، برشت و فردوسی (در ایران) اشاره کرد.

اولین کوششی که برای جمع‌آوری افسانه‌های ملی انجام شد، توسط برادران «گریم» در کشور آلمان، طی قرن ۱۸ صورت گرفت. مجموعه «کودکان و افسانه‌های خانگی» که توسط برادران گریم گردآوری شد، پس از انجیل، دومین کتابی بود که در حجم زیاد چاپ شد و گرچه از سوی مردم با استقبال پرشوری مواجه شد، از طرف پادشاهان آن دوره مورد پذیرش قرار نگرفت و منسوخ و همپایه خرافات اعلام شد.

✓ **کیهان** / ۲۱ اسفند ۱۳۸۰

حال و هوای یک روز فیروزه‌ای

بزرگداشت مهدی آذر یزدی در یزد

نویسنده: امیرحسین فردی

گزارش

در واپسین روزهای بهمن ۸۰، برای شرکت در بزرگداشت مهدی آذر یزدی، به آن شهر می‌روم. چند سالی است که «آذر» به زادگاهش برگشته است و

هشتاد سالگی را به شیوه خود روایت می‌کند.

آذر، زبان فرهنگ کهن این سرزمین برای کودکان و نوجوانان ایرانی بود؛ آن‌هم در زمانه‌ای که مدرنیسم و آرونه غربی، در مقام ایلغار سنت‌ها، آداب، اندیشه و باورهای ما قامت بسته بود.

او بدون مدرسه رفتن و آشنایی با «دارا»ها و «آذر»ها، قلم به دست می‌گیرد و «قصه‌های خوب» را برای «بچه‌های خوب» می‌نویسد. آذر، برای نوشتن این قصه‌ها، به هزارتوی شگفت تاریخ، اندیشه و عرفان این فرهنگ کهن رجعت می‌کند و مضامین سترگ، درخشان و متعالی آن را از دل متون استخراج و همچون قنات‌های جاری در اعماق زادگاه کویری‌اش، زیبا و زلال روایت می‌کند.

این کار در اصطلاح اهل ادبیات داستانی، به «بازنویسی» و یا دست بالا، به «بازآفرینی» مشهور است. اما به نظر من، آذر از خود چیزی بر آن متون افزوده است؛ چیزی از جنس اشتیاق، از قماش عشق، روشن و تابناک، همچون پرتوهای آذر، بر آن دمیده و بر غنای فرامتنی اثر افزوده است. وگرنه چه بسیارند «بازنویسان» و «بازآفرینان» متون کهن که حاصل کارشان، گاه بسیار سرد و خاکستری است و به دل نمی‌نشیند.

مراسم آغاز می‌شود. ناباورانه می‌شنوم که آقای خاتمی هم پیامی به این مناسبت ارسال کرده است؛ همین‌طور آقای مسجدجامعی. من احساس می‌کنم اتفاق مهمی در فضای ادبیات کودکان و نوجوانان افتاده؛ چیزی که تا آن روز و آن ساعت، سابقه نداشته است.

پایان برنامه، یکی از ماندگارترین صحنه‌های آن روز بود. وقتی آذر را برای مراسم گلباران، به روی صحنه دعوت کردند و او با کمک از پله‌ها بالا رفت، روی سن ایستاد و سالن یک پارچه تشویق شد. آذر بی‌تکلیف ایستاده بود. برای او، این صحنه تازگی داشت. او اهل این همه چراغ و جمعیت و کف و تشویق نبود. او ایستاده بود و نمی‌دانست چه بکند. کمکش کردند تا روی صندلی بنشیند و بعد دختر بچه‌های یزدی، روی سرش گل ریختند و گل‌بارانش کردند.

✓ هفتم شهری / شماره ۲۵۹۸ / دی ۱۳۸۰

حقیقت بسیار ساده است

گفت و گو با ویدا اسلامی، مترجم «هری پاتر»

گفت و گو از: مهدی یزدانی خرم

گفت و گو

ویدا اسلامی، ترجمه مجموعه هری پاتر را از دو سال پیش آغاز کرد و توانست به عنوان بهترین مترجم این کتاب‌ها شناخته شود و جایزه دو چرخه طلایی را به خود اختصاص دهد.

وی علت‌های موفقیت هری پاتر را چنین برمی‌شمرد: مهم‌ترین علت، همین مسئله معروف «خیر و شر» است. هر انسانی از کودکی، با این مسئله درگیر است و از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان است و این که برای رسیدن به کمال و خیر از چه راهی باید بروند و این در ذهن کودکان وجود دارد و مجموعه هری پاتر، بر این اصل نوشته شده است. دلیل دیگر را می‌توان جذابیت فضای داستانی رمان دانست. رولینگ، سحر و جادو را در دنیای واقعی به تصویر کشیده است.

یکی دیگر از دلایل، عادی بودن شخصیت هری پاتر است و این حقیقتی است که موجب می‌شود خواننده اثر، خود را در قالب او تجسم کند. زمانی که هری وارد آن دنیای جادویی می‌شود، باز خصوصیات بچه‌های عادی را دارد. مثلاً از درس خواندن فرار می‌کند و... این برای خواننده کودک، بسیار مهم است. اما چرا این شخصیت، کشش عجیبی برای کودک دارد؟ به این دلیل است که نیروی قدرتمندی که در اختیار اوست، باعث شده که تبهکارترین جادوگر هم نتواند او را در کودکی از بین ببرد.

اسلامیه، با اشاره به مقوله نمادها و سمبل‌ها می‌گوید: رولینگ از سمبل‌ها و نمادهایی استفاده کرده است که نوجوان و کودک، می‌تواند واقعیت پنهان در این نمادها را باور کند و آن‌ها را بپذیرد و من مطمئن هستم این کارکرد، بسیار تأثیرگذار است. وی درباره قهرمان در آثار کودک، معتقد است: معمولاً قهرمان آثار کودک، مانند هری پاتر (البته

هری پاتر جزو داستان‌های افسانه‌ای هم محسوب می‌شود)، شخصیتی خارق‌العاده است که با قدرت خویش، با شر می‌جنگد. با این حساب، می‌توان گفت که هری پاتر، مرزی بین قهرمان و ضدقهرمان است. این مترجم، با اشاره به استعارای بودن رمان هری پاتر، زبان رمان را بسیار رنگارنگ دانست و افزود: این تنوع موجب لذت است و همین ویژگی، سبب شده است که دنیای هری پاتر، بسیار پررنگ و سینمایی به نظر بیاید. در ضمن، طنز زبانی بسیار زیادی در رمان وجود دارد و صنایع ادبی که بسیار سخت قابل انتقال بوده است. یکی از این صنایع، جناس بود که من در بعضی موارد، نتوانستم آن‌ها را برگردانم و در بسیاری از معادل‌گذاری‌ها با مشکل مواجه بودم و به علت محدودیت زمانی، نتوانستم توضیحاتی در پاورقی ارائه کنم. به هر حال،

هری پاتر متنی ادبی است که حتی برای نوجوانان هم کمی سنگین به نظر می‌رسد.

✓ جام جم / ۱۱ اسفند ۱۳۸۰

داستان‌های افسانه‌ای، قصه‌های مدرن

نویسنده: برونو یتله‌ایم

ترجمه: زهرا گیوه‌چی

مقاله

یتله‌ایم سال‌هاست که یکی از مشهورترین روان‌شناسان کودک در دنیا به شمار می‌رود. در این مقاله که از کتاب فواید جادو (۱۹۶۷) انتخاب شده، وی با تحلیل تأثیر داستان افسانه‌ای و واقع‌گرایانه بر کودکان و بزرگسالان، به مقایسه این دو نوع داستان می‌پردازد.

«معایب داستان‌های واقع‌گرایانه» که از سوی بسیاری از والدین، جایگزین داستان‌های کهن شده است، با مقایسه‌ای بین این دو نوع آشکار می‌شود. مقایسه «لوکوموتیو کوچولویی که توانست» و «خانواده رابینسون» با افسانه «راپانزل»، کودک را به این باور می‌رساند که اگر سخت بکوشد و دست از



کوتاه می‌کرد.

موهای بلند، به خودی خود، برای او نماد پیروزی و خوشبختی شد. این داستان، وی را متقاعد ساخته بود که روزی شاهزاده‌ای (پدرش)، به سراغ وی خواهد آمد و او را آزاد خواهد ساخت و این یقین، به او قوت قلب می‌بخشید.

در خانواده رابینسون، جادوگری وجود ندارد که کودک بتواند در رویاهایش عصبانیتش را بر سر او بریزد و کوتاهی پدر را به گردن وی بیندازد.

خانواده رابینسون، به طفل، رویای گریز از مشکلات را ارایه می‌دهد تا با خواندن مکرر داستان، فراموشی موقتی را از مشکلات زندگی تجربه کند؛ بدون این که هیچ‌گونه امید خاصی به آینده داشته باشد.

در مقابل، راپانزل، این امکان را می‌دهد تا از مشاهده جادوگر بدجنس داستان، به این مطلب برسد که در مقایسه، نامادری‌اش واقعاً به آن پدر جنسی نیست. به علاوه، این داستان آزادی دخترانه را با کمک یکی از اعضای بدن خودش، تعهد می‌کند. از همه مهم‌تر، متعهد می‌شود که شاهزاده داستان، تنها به طور موقتی بینایی خود را از دست داده است.

وقتی از کودکان در مورد داستان‌های مورد علاقه‌شان سؤال می‌شود، به سختی می‌توان داستان مدرنی را در میان برگزیده‌های‌شان یافت.

کودک پس از شنیدن داستان مدرن که از نتیجه‌گیری‌های دلگرم‌کننده بی‌بهره است، هیچ امیدی به رهایی از سرخوردگی‌های خود ندارد. در افسانه‌های کهن، قهرمان داستان، به پاداش خود می‌رسد و شخصیت شیطانی، با سرنوشتی که حق اوست، روبه‌رو می‌شود و در عین حال، پیروزی عدالت، نیاز عمیق کودک را برآورده می‌کند.

✓ بنیان / ۱۹ اسفند ۱۳۸۰

رسانه‌ها و ترویج عادت مطالعه

نویسنده: سید حبیب معینی

مقاله

نشریات، روزنامه‌ها و مجلات اولین رسانه‌های فراگیر جمعی بودند که موجبات توسعه فرهنگ را

تلاش برندارد، سرانجام طعم موفقیت را خواهد چشید. خانمی جوان، لذت تأثیر این داستان را در سن ۷ سالگی به خاطر می‌آورد. او در آن زمان متقاعد شده بود که نگرش فرد، عملاً بر موفقیت وی تأثیر دارد. پس اگر با اطمینان به پیروزی خود، به کاری دست بزنند، حتماً موفق خواهد شد، وی چند روز بعد، با موقعیتی چالش‌برانگیز رو به رو می‌شود.

از آن‌جا که این داستان، داستانی مدرن است، دخترک نیز سعی کرده بود همان اصل را به سادگی و بدون هیچ‌گونه خیال‌پردازی، در زندگی روزمره خود به کار بندد و شکستی را تجربه کند که پس از گذشت ۲۰ سال، هنوز او را می‌رنجانند.

داستان «خانواده رابینسون»، تأثیر بسیار متفاوتی بر دختر دیگری گذاشت. دخترکی که به ناچار باید پیوسته از منزل خود به منزل عمه‌اش و بعد منزل مادر بزرگ و دوباره به خانه خود رفت و آمد کند. در طول این سال‌ها وی بارها این داستان را می‌خواند.

ساعت‌های خوشی که او در سرزمین رویایی با خانواده رابینسون می‌گذراند، به او اجازه نمی‌داد تا در مورد مشکلاتی که دنیای واقعی برای وی به همراه آورده بود، احساس ناکامی کند. اما از آن‌جا که این داستان افسانه‌ای نبود، تنها فرار موقتی از مشکلات را برای وی به همراه داشت.

حال به تأثیری که داستان «راپانزل» بر دختر دیگری داشت، می‌پردازیم.

مادر دخترک، در تصادف کشته می‌شود. پدر او را به دایه‌ای می‌سپرد و دایه، از شدت علاقه به دخترک، او را در هر کاری آزاد می‌گذارد. سپس پدر در ۷ سالگی دختر، دوباره ازدواج می‌کند.

دخترک خود را جای «راپانزل» تصور می‌کرد؛ زیرا جادوگر داستان «نامادری»، به «زور» تمام دارایی راپانزل را تصاحب کرده بود. دخترک در زندگی جدید خود، برخلاف زندگی آزادانه‌ای که با دایه‌اش داشت، احساس زندانی بودن می‌کرد. موهای بلند راپانزل، کلید آزادی وی بود. پس دخترک سعی کرد موهایش را بلند کند، اما نامادری‌اش آن‌ها را

غرب را در سده ۱۸ و ۱۹ فراهم آوردند و در سده بیستم نیز عامل اساسی رهبری نهضت فرهنگی و سیاسی و اجتماعی در بسیاری از کشورها بودند. عادت به مطالعه و کتاب‌خوانی، در گرو عزم ملی مسئولان و برنامه‌ریزان و مدیران و دست‌اندرکاران نظام‌های تربیتی، آموزشی جامعه و به ویژه رسانه‌های ارتباطی جمعی است که با ارایه برنامه‌های متنوع و جذاب نوشتاری، دیداری و شنیداری می‌توانند کاستی‌های نظام آموزشی رسمی کشور در این زمینه و سایر زمینه‌ها را جبران کنند.

هر چند که امروزه بسیاری از منابع مطالعاتی، در قالب برنامه‌های الکتریکی و تصویری درآمده‌اند، تأکید بر کتاب‌خوانی، باید جای خود را به تأکید بر «مطالعه و بهره‌وری از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و نیز کتاب‌خوانی» بدهد. مهم این است که رسانه‌های ارتباط جمعی، سه وظیفه و رسالت عمده اجتماعی را انجام می‌دهند که عبارت است از وظایف «خبری»، «راهنمایی» و «تفریحی و تبلیغی» و در مورد هر پدیده‌ای باید این سه وظیفه را مستقلاً و نیز در تعامل و همفکری با سایر رسانه‌ها و سایر نهادهای آموزشی انجام دهند.

است. رولینگ، در پاسخ به این که چرا در کتاب هری پاتر، مدرسه هاگوارتز، به طرز باورنکردنی خارق‌العاده و تخیلی است، می‌گوید: مدرسه می‌تواند برای بچه‌ها یک پناهگاه باشد، اما می‌تواند یک مکان ترسناک هم باشد. بچه‌ها می‌توانند نسبت به یکدیگر بسیار بی‌رحم باشند. ممکن است ایده مدرسه شبانه‌روزی و آزادی عمل و خودمختاری آن، در ذهن بچه‌ها و نیز والدین آنان، وجهه‌ای منفی هم داشته باشد.

وی گفت: بیشتر قسمت‌های هری پاتر و سنگ‌جادو، قبل از این که مادری مجرد شود، طرح‌ریزی و نوشته شده بود و تنها حادثه‌ای که مسیر هری پاتر را تغییر داد، مرگ مادرش بود.

این نویسنده، به جوانانی که می‌خواهند به نوشتن روی آورند، توصیه می‌کند تا جایی که می‌توانند، مطالعه کنند.

رولینگ می‌گوید: باز هم خواهیم نوشت. این همه آن چیزی است که می‌دانم. در تمام زندگی خواهیم نوشت؛ زیرا نیازمند آن هستیم. اگر مدتی ننویسم، احساس طبیعی بودن نمی‌کنم. شک دارم که دیگر بتوانم کتابی بنویسم که به اندازه کتاب‌های هری محبوب شود.

✓ ایران / شماره ۲۰۰۸ / دی ۱۳۸۰

✓ ایران / شماره ۲۰۰۸ / دی ۱۳۸۰

رولینگ: باز هم خواهیم نوشت
هم‌چنان بر فراز ابرها با «اسب سفید
کوچولو»

رولینگ: باز هم خواهیم نوشت

هم‌چنان بر فراز ابرها با «اسب سفید
کوچولو»

مترجم: پروانه عزیزی

گفت‌وگو

گفت‌وگو

افشین علا، یکی از دلایل بحران شعر کودک را نبودن مریز محسوس بین شعرهای بازاری و سروده‌های رسمی کودک بیان می‌کند و همچنین، فضای نامناسب نقد را سبب سهل‌انگاری‌های فراوان می‌داند.

وی یکی دیگر از این دلایل را شاعرانی می‌داند که به دلیل توفیق نیافتن در شعر بزرگسال، به سرودن

بهترین خاطرات دوران کودکی جی. کی. رولینگ، خواندن و شنیدن داستان بود؛ حظ بردن از دنیای اسرارآمیز «نارنیا»، نوشته سی. اس. لوئیس و بیشتر از همه، لذت بردن از داستان مورد علاقه‌اش «اسب سفید کوچولو»، نوشته الیزابت گوج.

این مطلب، گفت‌وگوی مارگارت ویر با رولینگ

✓ کیهان / شماره ۱۷۲۰۰ / بهمن ۱۳۸۰

قصه‌های تمثیلی، الگویی برای شناخت

خویشمن

نویسنده: مهری فاهمی

مقاله

کودک، در دوران کودکی، تمایل زیادی به شنیدن قصه‌های تمثیلی دارد. کتاب‌های مصور، برای او لذت‌بخش و جالب است. بین ۷ تا ۱۲ سالگی، حس حماسه در او اوج می‌گیرد و به خواندن قصه‌های تخیلی راغب‌تر می‌گردد.

انتخاب کتاب‌های مناسب سن و روحیه کودک، نقش مهمی در رشد او دارد. هدف این مقاله، آشنایی والدین با دنیای درونی فرزندان‌شان است تا با توجه به نیازهای روحی و روانی آنان، کتاب‌های مفید را در اختیار فرزندان‌شان قرار دهند. کودک، فضای داستان را واقعی می‌داند و رابطه‌ای بسیار عمیق و حساس با فضای داستان و قهرمانان و شخصیت‌های آن برقرار می‌کند.

کودک قبل از هر چیز، به دنبال کشف رابطه «خود» با موجودات و اشیاء و پدیده‌هاست. به عبارتی دیگر، او در همه چیز نقش و جایگاه خود را برای برقراری روابط اجتماعی وسیع‌تر می‌جوید. تأثیرات بنیادین و شگرف ادبیات مکتوب و شفاهی کودکان و نوجوانان، به حدی است که بسیاری از کارشناسان تعلیم و تربیت، بر این باورند که هیچ یک از ابزارهای فرهنگی و سمعی و بصری، حتی تلویزیون نیز نمی‌تواند با آن رقابت کند.

✓ نو روز / ۸ اسفند ۱۳۸۰

کتاب سال کودک و نوجوان، چگونه انتخاب شد؟

نویسنده: شکوه حاجی‌نصرالله

مقاله

در این مقاله، جمع‌بندی شکوه حاجی‌نصرالله، منتقد و عضو هیأت داوران رشته داستان‌بخش کودک و نوجوان کتاب سال، درباره سه کتاب برگزیده، با مقدمه‌ای درباره چگونگی انتخاب کتاب

برای کودکان روی می‌آورند و مورد تشویق هم قرار می‌گیرند.

وی در مورد نقدهای منتشرشده در کتاب ماه، پژوهشنامه و سایر مطبوعات کودک و نوجوان می‌گوید: متأسفانه، منتقدان ما به جای مرزبندی نامحسوس در ذهن مخاطب، برای تشخیص سره از ناسره، تمام جریان شعر کودک را به نقد می‌کشند و اساساً آن را انکار می‌کنند. من در بین این نقدها کم‌تر نقدی دیده‌ام که به ظرافت‌های شعر شاعران کودک توجه کند.

افشین علا، با اشاره به از دست رفتن فضای خوب گذشته، می‌افزاید: صرف‌نظر از اوج و فرودهای اشعار، اراده محکمی در جمع شاعران کودک وجود داشت که آن‌ها را به سمت پایه‌ریزی مبانی رسمی شعر کودک سوق می‌داد. در آن سال‌ها محدودیت‌ها و قیدهای لازم برای شعر کودک، به خوبی توسط شاعران مراعات می‌شد. همچنین دایره واژگان، جنس تخیل، فرم، قالب و تمام مراحل تکوین شعر کودک، در ذهن شاعران نظام‌مند بود و همه بر اساس آن‌ها حرکت می‌کردند، اما متأسفانه، عده‌ای از شاعران نتوانستند این فضا را حفظ کنند. مثلاً به نظر من، هنجارشکنی‌های محمداکرم مزینانی، آفات زیادی به دنبال داشت که حتی شاعران پیش‌کسوت ما را هم تحت تأثیر قرار داد.

این شکل از نوگرایی، زمینه‌مناسبی برای پذیرش توسط مخاطب کودک ندارد و شاید به همین دلیل، گرایش عمومی به سمت شعر نوجوان تغییر جهت داد و شعر کودک، با همه حساسیت‌هایش، از یاد رفت. این موضوع، فقط به خاطر جلب توجه مخاطب وسیع نوجوان صورت گرفته که تشنه نوگرایی و هنجارشکنی بودند.

وی در پایان می‌افزاید: به هر حال، وقت آن رسیده که جلو گرایش‌های سطحی و عوام‌پسند شعر کودک، توسط منتقدان جدی یا ناظران فرهنگی گرفته شود؛ گرایش‌هایی که جز آفت، چیزی برای شعر کودک ما به همراه ندارد.



سال، آمده است.

با هدف ارزش‌گذاری کتاب‌های داستان کودکان و نوجوانان منتشره در سال ۱۳۷۹، نخست کتاب‌ها در دو گروه اصلی «تالیف» و «ترجمه»، با زیرمجموعه‌های «کودک» و «نوجوان»، بخش‌بندی شد. آن‌گاه به ارزش‌گذاری کتاب‌های موجود در هر گروه پرداختیم.

ابتدا کتاب‌ها را در گروه‌های تعریف‌شده جا دادیم. آن‌گاه کتاب‌ها را خواندیم. در مرحله نخستین، برای سنجش هر کتاب، چهار محور سازنده متن ادبی کودکان و نوجوانان، یعنی ارتباط‌شناسی، زیبایی‌شناسی، ساختار (متن و تصویر) و شناخت‌شناسی را مورد توجه قرار دادیم.

هر کتاب را با طرح سؤالاتی گوناگون بررسی کردیم. بعضی از سؤالات را برمی‌شمردیم: آیا اثر مورد بررسی، قدرت تخیل و تجسم مخاطب را تقویت می‌کند؟ آیا تخیل‌برانگیز، جذاب و پرکشش است تا بتواند پاسخگوی حس زیبایی‌شناختی مخاطب باشد؟ آیا اثر، راهنمای مخاطب برای کشاندن او به دنیای مطلوب واقعیت و خیال است؟ آیا زبان نوشتاری آن، از نظر تخیل غنی است؟ آیا شخصیت‌پردازی اثر، قوی و باورپذیر است؟ آیا تجربه و شناخت مخاطب را در زمینه انواع نوآوری‌های هنری، از جنبه زیبایی‌شناختی، افزایش می‌دهد؟ آیا اثر جوابگوی نیازهای مخاطب عصر حاضر است؟ آیا جوابگوی ارزش‌های جهانی مشترک است؟ آیا در اثر مورد بررسی، ارزش‌های معنوی و اخلاقی و دلوپسی‌ها و نگرانی‌های نوع بشر دیده می‌شود؟ آیا با سن مخاطب و تجربه‌های او هماهنگ است؟ آیا محتوای اثر جنبه آموزشی دارد؟

در مرحله بعد، با کتاب‌های انتخاب شده در مرحله اول، نمایشگاهی تهیه کردیم و از میان این کتاب‌ها با معیار «جست و جوی ساختاری نو»، کتاب‌های معرفی شده را برگزیدیم. ساختار نو، همانا ساختاری است که از نظر محتوا و فرم، جدید و متفاوت باشد. از نظر ما این تازگی یک مشخصه مهم از آفرینش ناب است.

لیست کتاب‌های معرفی‌شده برای داوری نهایی

کتاب سال کودک و نوجوان: حدس بزن چقدر دوست دارم، عطسه پرماجرا، پرندگان شب، گربه وحشی در قفسه شیشه‌ای، آخرین گودال، غارهای فراموشی، شهربانو، یک تکه بلور، سایه در بهار، دنیای رنگین‌کمان، هیندیشکا، سه تابلو سه قناری و عشق و آینه بود.

نویسنده، سپس درباره کتاب‌های «شهربانو» و «آخرین گودال» که به عنوان کتاب سال برگزیده شدند، نکاتی را عنوان کرد.

✓ **چهارمین شماره ۱۸۶ و ۱۸۷ / اسفند و فروردین ۱۳۸۰**
کتاب‌های درسی و تبعیض جنسی
نویسنده: روزبه آجاجری



این بررسی، به بازشکافی مسئله تبعیض جنسی، در کتاب‌های درسی پنج سال آموزش دبستانی می‌پردازد.

سال نخست دبستان: بیشتر تصویرها، تصویر مردهاست؛ به جز چند تصویری که در آن‌ها زنان، یا آشپزی می‌کنند و یا مشغول خوردن‌اند. در سراسر کتاب، کوشش می‌شود تصویر پسرها به همراه پدر و دخترها همراه مادر نشان داده شود که گام بزرگی در موجه نشان دادن «جدایی جنسی» محسوب شود. در بیشتر تصویرها، پدر یا پسر «کاری» انجام می‌دهند و یا چیزی می‌سازند، در حالی که «اکرم» سبزی پاک می‌کند.

زنان ما بخش بزرگی از تولید کشاورزی را بر دوش دارند، اما می‌بینیم که تنها «پدر جواد کشاورزی می‌کند» و در باغ پدر اصغر هم همین وضع برپاست. «پدر کتاب می‌خواند». آیا هرگز دیده‌ایم که مادر هم کتاب بخواند؟

سال دوم دبستان: در سال پیش، هیچ پیوندی میان زن و کتاب دیده نمی‌شد و حالا هم که کبری کتاب داستانی دارد، کتاب راگم کرده است و دست آخر هم آن را پاره می‌یابد.

درس «کوکب خانم»، سرشار از ستودن کوکب خانم است؛ کوکب خانمی که با نام پسرش شناخته

برداشت مردسالارانه‌ای از جنس زن نداشته باشد. آیا با این آموخته‌ها، کودک، هرگز می‌تواند حق برابر برای همه انسان‌ها را باور داشته باشد؟

✓ ایران / شماره ۲۰۶۲ / اسفند ۱۳۸۰

**کودک، ادبیات، زمان
نگاهی به قابلیت‌ها؛ ماندگاری ادبیات کودک
نویسنده: پدram پاک‌آئین**

مقاله

ادبیات کودک، معمولاً به چند سبب از بستر واقعی خود دور می‌افتد. یکی آن که کودک، در دوره‌ای از عمر خود به سر می‌برد که نیازمند آموزش و تربیت از یک سو و سرگرمی و بازی از سوی دیگر است. بنابراین، این احتمال وجود دارد که ادبیات او نیز در خدمت هر یک از این دو قرار بگیرد و از مسیر اصلی خویش دور شود.

در چنین حالتی، دو فرض، قابل پیش‌بینی است. اول آن که ادبیات آموزشی یا سرگرم‌کننده کودک، در عین رفع این نیازها، گوشه‌چشمی نیز به نیاز ادبی و هنری کودک داشته و آن را پاسخ گفته باشد. دوم آن که آن چه در هیأت داستان یا شعر و به صورت کالای فرهنگی به کودک عرضه شده، در واقع همان وسایل بازی یا تجهیزات کمک آموزشی کودک باشد که ظاهر یک اثر هنری را به خود گرفته است.

در فرض اول، آن چه توسط کودک دریافت می‌شود، ادبیات ناخالصی است که به شرط استقبال کودک، ناخالصی‌های آن نیز توسط وی پذیرفته می‌شود. در این جا ادبیات، کار والدین و مربیان را در آموزش کودک، یا کار کودک را در ورود به عرصه بازی، تسهیل کرده است. این فرض، درست شبیه موقعیت آثار سیاسی و اجتماعی ادبیات بزرگسالان است که در آن، ادبیات با موضوعات دیگری همراه می‌شود و از عنصر هنری، به ترکیب رسانه‌ای تغییر شکل می‌دهد.

در آثار بزرگسالان، از آن جایی که رسانه، کاربرد مقطعی و روزمره دارد، ترکیب رسانه با هنر نیز با استفاده مقطعی همراه است. علاوه بر مفهوم زمان که نشان‌دهنده مدت

می‌شود. محتوای کتاب، زندگی اجتماعی را ویژه مردان می‌داند. مرتضی و حسن، در جامعه و زندگی اجتماعی حضوری روشن دارند، اما هما (جنس زن) یا در برابر آینه به خود می‌رسد و یا در خانه و مدرسه نمایانده می‌شود. در درس «نامه‌ای از یک کودک فلسطینی» و «دست در دست هم دهیم به مهر»، هیچ اشاره‌ای به جنسیت نشده است، اما منطق مردسالار کتاب، جنسیت را تعیین کرده است و تصویر، پسری را نشان می‌دهد. در درس «دوستان ما چه کسانی هستند»، کتاب پاسخ می‌دهد: مردان کشاورز، مردان کارگر و!

ساخت مردسالار نمی‌پذیرد که زنان، توانایی انجام کاری را داشته باشند. در «پرواز» با کلیشه‌ای کهنه رو به روییم؛ احساساتی و رویایی بودن زن و آگاهی‌دهنده و منطقی بودن مرد.

سال سوم دبستان: در این سال نیز روند افزونی تصویرها و فضاهای مردانه دنبال می‌شود و تنها ۱۳/۷ درصد تصویرها را تصویرهای زنانه دربرمی‌گیرد. تمامی نقش‌های زنده و پویا، به مردان و گذار می‌شود و در سراسر کتاب، به جز نقش‌های کلیشه‌ای و سنتی، نقش دیگری به زنان داده نمی‌شود. مردان کار می‌کنند و می‌آفرینند و زنان حتی تماشاچی هم نیستند!

سال چهارم و پنجم دبستان: در این دو سال پایانی، با روند «حذف» رو به روییم. درصد تصویرهای زنانه، به صفر می‌رسد و کتاب سراپا پر از تصویرهای مردانه است!

«چشم بینا گوش شنوا داشته باشیم» از دختری به نام پروین نام می‌برد؛ البته بدون هیچ تصویری از او. درس نگاه مثبتی به پروین دارد، اما همین نگاه، در برابر آوار دیگر نوشته‌ها و تصویرها، هرگز در ذهن کودکان ما جایی نخواهد یافت.

در شعر «اشک یتیم»، از کودکی یتیم سخن گفته می‌شود، اما تصویر که نمود اندیشه مردسالار است، پسری را نشان می‌دهد و حتی این جا هم باور تبعیض‌آلود کتاب، نتوانسته درد یتیمی را مشترک هر دو جنس بداند. به جز در این دو درس، دیگر هیچ جایی از کتاب را نمی‌توان یافت که تصویر یا

ماندگاری یا انزوای یک اثر هنری، پس از پیدایش آن است، در مورد کودکان، زمان مشترکی نیز وجود دارد که میزان سازگاری ادبیات کودک با ذوق و سلیقه کودکان را تفسیر می‌کند. هر چند استثنای زمان و مکان که به آن اشاره رفت، معمولاً در داستان، بیش از شعر، اثر را گنگ و نامفهوم می‌سازد.

زمان مشترک بزرگسالی، خطی است که در تمام زمان‌های افقی، امتدادی مشترک را برگزیده و با آن، زمان افقی و متغیر را قطع کرده است.

آنچه در این زمان قابل توجه است، این است که مجموعه ویژگی‌های این زمان مشترک، با زمان مشترک کودکان، یکسان و همانند است و این مشترکات، به استثنای غریزی که با گذشت سن و سال و پشت سر گذاشتن مراحل رشد در انسان سر برمی‌آورد، در کودکان هم وجود دارد. از این فرض، سه نتیجه تازه حاصل می‌شود:

۱- کودکان، به دلیل نداشتن و نشناختن زمان افقی، به هنر و ادبیات نزدیک‌ترند.

۲- کودکان، به دلیل داشتن زمان عمودی و مثبت‌ترک، مشترکاتی نیز با بزرگسالان دارند که می‌تواند محور ارتباط هنرمند بزرگسال با مخاطب کودک قرار گیرد.

۳- ماندگاری آثار هنری را چیزی غیر از «زمان مشترک کودک» تعیین می‌کند. در آثار هنری کودکان، صرف وجود جوهر و زیبایی، کافی است تا اثر به اکسیر بقا و ماندگاری دست یابد؛ زیرا تنها زمان کودکان، زمان مشترک انسان‌ها و تنها زمان مشترک جاودانه است.

✓ جمهوری اسلامی، ۱۳ اسفند ۱۳۸۰

سروری اجمالی بر بایسته‌های کتاب شایسته کودک

نویسنده: جواد نعیمی

مقاله

کتاب کودک، یعنی کتابی که می‌باید با عنایت به ویژگی‌ها و توانمندی‌های خواندن و ادراک کودکان، نگارش یافته و ناظر بر نیازها و تلاش‌ها و ذوق‌های کودکان باشد. بر این اساس، نگاهی اجمالی، گذرا و

فهرست‌وار، به پاره‌ای از نکات مهم در زمینه ویژگی‌های کتاب کودک و بایستگی‌های آن، می‌تواند والدین و مربیان را در گزینش کتاب برای کودکان یا هدایت آن‌ها برای انتخاب برتر و آثار مفیدتر، مدد برساند.

کتاب کودک، اصولاً باید بر اساس بینش‌های اصیل، مکتبی و ارزشی تهیه و تدوین شده و محتوا و پیام‌های آموزنده و مفید در آن مدنظر گرفته باشد. همچنین، از لحاظ زمینه و واژه‌های به کاررفته شده و موضوع، کاملاً قابل فهم و متناسب با سن و سواد کودک بوده و نیز به گونه‌ای شکل گرفته باشد که دانش او را به طور محسوسی افزایش دهد و اثر مطلوب و خوبی بر ذهن کودک برجای گذارد.

مطالب ارایه شده در کتاب کودک، بایستی در سطح فهم کودکان باشد؛ یعنی نیازها، تجربه‌ها و توانایی‌های هر گروه سنی را مورد توجه کامل قرار داده باشد. چنین کتابی باید آموزش‌های غیرمستقیم را بیشتر مدنظر داشته و کمتر حاوی شعارها، پندارها و اندرزهای مستقیم باشد.

از طرفی، قطع و اندازه‌های کتاب کودکان باید به گونه‌ای باشد که شوق و رغبت وی را برانگیزاند. همچنین، کتاب خوب و مناسب برای کودک، کتابی است که از ترویج و تبلیغ فرهنگ مبتذل شرق و غرب و فرهنگ‌های طاغوتی و مصرفی به دور باشد.

در این زمینه، ارتباط مطالب کتاب کودک، با عنوان و تصاویر آن را نیز علاوه بر دارا بودن کشش و گیرایی لازم مطالب آن، باید مورد توجه و نظر قرار داد. بیان کتاب کودک هم بایستی یک‌دست و منسجم باشد و پیام آن تکراری، ضعیف یا بدآموز نباشد. هر گاه کتاب کودک، ترجمه‌ای از یک متن است یا پاره‌ای از متنی در آن آورده شده، می‌باید به دقت و صحت آن اطمینان داشت. همچنان که در یک کتاب خوب کودک، نباید اثری از اقتباس‌های نابه‌جا و بازنویسی‌های نامناسب، به چشم بیاید.

برای کودکان، به ویژه در گروه‌های سنی پایین، بهتر است در حد امکان، از کلمه‌ها و جمله‌های موزون استفاده و این کلمه‌ها و جمله‌ها به اندازه کافی و لازم، در سرتاسر کتاب تکرار شود. به طور کلی، چگونگی شکل و کیفیت ارایه

— درگیرودار ماه و ماهی‌گیر و ماهی‌خوار...

«قسمت دوم» کیهان / ۲۵، ۱۳۸۰

— ماهی سیاه بالاخره راز زندگی را فهمید؟

«قسمت سوم» کیهان / ۲۹، ۱۳۸۰

— قصه‌ای برای بزرگسالان با زبانی

کودکانه «قسمت چهارم» کیهان / ۶، بهمن ۱۳۸۰

— ماهی سرخ کوچولو! «قسمت پنجم»

کیهان / ۹، بهمن ۱۳۸۰

نویسنده: محمدرضا سرشار

نقد

این مطلب، چکیده نقدی است بر «ماهی سیاه کوچولو»ی صمد بهرنگی که در ۵ بخش به چاپ رسیده است. نگارنده پس از بیان خلاصه‌ای از داستان، به نوع قصه پرداخته است. شواهد امر نشان می‌دهد که اراده نویسنده نیز بر «استعاره‌ای» (رمزی) بودن آن است. اما آیا به راستی، این یک قصه «رمزی» است و اصول و معیارهای این نوع قصه‌ها در آن رعایت شده است؟ واقعیت این است که «صمد بهرنگی»، تصویر روشن و آگاهی دقیقی از اصول و معیارهای «رمزی» نویسی نداشته و مرزهای این‌گونه داستانی را با انواع دیگر داستان‌ها نمی‌شناخته است.

دلایل متعددی برای این موضوع وجود دارد. از جمله:

۱- در قصه‌های رمزی، قهرمانان قصه، بی‌بروبرگرد، نمادی از یک نمونه، نوعی قشر یا گروه خاصی از جامعه انسانی هستند. به همین سبب، برای فهم درست منظور نویسنده، باید نخست آن مصداق‌های انسانی مورد نظر نویسنده را متوجه شد و در ذهن، جایگزین قهرمانان داستان کرد. بنابراین، در این قبیل قصه‌ها هیچ شخصیت (یا ماجرا و حادثه) زاید و اتفاقی نه می‌تواند و نه باید وجود داشته باشد. در صورتی که برای مثال، معلوم نیست، خرچنگ، مرغ سقا، مرد ماهی‌گیر، اره ماهی...

هر یک نماینده چه نمونه‌های نوعی از قشرها یا گروه‌های اجتماعی یا سیاسی و... هستند؟ تفاوت

محتوای کتاب‌های کودکان و نوجوانان، باید به گونه‌ای باشد که آن‌ها را به مطالعه، ترغیب و تشویق کند، نه این که آنان را از خواندن هر کتاب دیگر هم دلسرد کند.

✓ همبستگی / ۱۵، بهمن ۱۳۸۰

نادرستی‌ها و ایرادها در کتاب‌های زبان و

ادبیات فارسی دبیرستانی

نویسنده: علی سلطانی کویفرامزی

نقد

کتاب درسی، تفاوت‌های آشکاری با سایر کتاب‌های تحقیقی علمی و ادبی دارد؛ زیرا:

الف - صدها هزار نفر از آن بهره می‌برند و اگر اشتباهی داشته باشد، به همه خوانندگان منتقل می‌شود.

ب - کتاب درسی به عنوان یک مأخذ مورد اطمینان تلقی می‌شود و دبیران عزیزی که خود صاحب‌نظر نباشند، مطالب آن را به عنوان سخن درست و موثق، به دانش‌آموزان یاد می‌دهند.

پ - نادرستی مطالب کتاب، ممکن است در آینده دانش‌آموز تأثیر بسیار منفی داشته باشد که نخستین زیان آن، پذیرفته نشدن در آزمون ورودی دانشگاه‌هاست. بدیهی است که در نخستین چاپ هر کتابی ممکن است که با وجود دقت فراوان، اشتباهات چاپی و احیاناً موضوعی راه یابد، اما انتظار این است که با تذکر دبیران گرامی و توجه مؤلفان، در سال بعد، نادرستی‌ها رفع شود. متأسفانه، اکنون که بیش از چهار سال از چاپ بعضی از کتاب‌های ادبیات فارسی می‌گذرد، با وجود اصلاح پارهای از اشتباهات، هنوز نادرستی‌ها و بی‌دقتی‌هایی در این کتاب‌ها هست که دیگر قابل اغماض نیست. در ادامه این مقاله، به برخی از این اشتباهات اشاره شده است.

✓ نقد داستان «ماهی سیاه کوچولو»، نوشته

صمد بهرنگی

— بسجه ماهی‌ای که از آب و گل درنیامد

کیهان / ۲۲، ۱۳۸۰

«قسمت اول»

آن‌ها با هم چیست؟ اگر قرار است که منظور کلی از طرح ایقان، نشان دادن دشمنان خلق و به تعبیر مارکسیست‌ها موانع راه آزادی و آگاهی توده‌ها باشد که از دو حال خارج نیست:

یا این‌ها همگی یک جریان هستند و یک هدف را دنبال می‌کنند و فرقی اساسی با یکدیگر ندارند و یا آن که تنها وجه اشتراکشان، دشمنی با آگاهی و آزادی و کلاً تعالی توده مردم است، اما خود، تفاوت‌هایی با هم دارند و اهداف و شیوه‌های کارشان نیز با هم متفاوت است.

در صورت اول (وجود یک جریان واحد هم‌هدف)، تنها طرح یکی از آن حیوانات در قصه، کافی است و بقیه زایدند. اما چنانچه صورت دوم موردنظر باشد، باید ویژگی‌های طبیعی و اعمال این حیوانات، به نحوی باشند که کلید گشودن رمزهای داستان و کشف مصداق‌های انسانی موردنظر نویسنده، در ارتباط با هر یک از آن‌ها مشخص شود. حال آن که به واقع، پشت پرده طرح این دشمنان متعدد، هیچ نشانه‌ای از یک هدف حساب‌شده و نقشه منظم برای طرح تیپ‌های مختلف ضد‌مردمی دیده نمی‌شود.

به عبارت دیگر، از این بعد، قصه بیشتر یک قصه راجع به زیست ماهی‌هاست تا یک قصه رمزی حساب‌شده منطبق با موازین این نوع قصه‌ها.

اما پیرنگ و پیام داستان؛ طرح قصه، دارای زائیده‌ای در انتهای خود است که آن را از شکل متناسب و درست خارج کرده. حال بگذاریم که مسئله عمده شدن مبارزه با مرد ماهی‌گیر و مرغ ماهی‌خوار و... در اواخر داستان، محل اشکال است؛ زیرا ابتدا انگیزه و عامل مهاجرت او، بلتنگی و نارضایی از پوچی و بیهودگی موجود و میل به افزایش آگاهی و دانایی خود نسبت به جهان و زندگی است. بنابراین، پس از پشت سر گذاشتن آن مسیر طولانی، همراه با آن خطرات و مبارزات، علی‌القاعده از آن یکنواختی و پوچی و بی‌هدفی هم درآمده است. پس مبارزه با امثال مرغ ماهی‌خوار و مرد ماهی‌گیر نیز نمی‌تواند یک هدف عمده و استراتژیک باشد؛ چون صرف‌نظر از هر چیز، مبارزه، هدف نمی‌تواند باشد، بلکه

وسیله‌ای برای هموار کردن مسیری است که به مقصد انسان منتهی می‌شود. حال آن‌که چنین وانمود می‌شود که گویا هدف ماهی سیاه کوچولو و تمام کارش از این پس، مبارزه با مرد ماهی‌گیر و... است؛ آن هم به شکل «مبارزه برای مبارزه». زیرا اولاً برای این مبارزه، غایت و هدف اصیل و روشنی ذکر نمی‌شود. ثانیاً؛ هیچ امید و نتیجه روشنی بر این مبارزه مترتب نیست.

راه‌حل قضیه، آن بود که هدف اصلی ماهی سیاه کوچولو تا پایان قصه، کسب معنایی درست و هدفی والا برای زندگی و رسیدن به آن نوع زندگی هدفدار و متعالی باشد و در این راه نیز آماده هر گونه مبارزه و جانفشانی برای هموار کردن مسیر منتهی به این مقصود باشد.

اما تازه به فرض حل این مشکل، باز یک مشکل اساسی قصه، هم‌چنان به قوت خود باقی می‌ماند و آن، این که آیا به هر حال، ماهی سیاه کوچولو، فهمید زندگی راستین و واقعی خالی از پوچی و ابتذال یعنی چه؟ اگر فهمید، آن معنا چه بود؟

فرق زندگی آرام و بی‌دغدغه در آن جویبار کوهستانی، در کنار مادر و دیگر آشنایان، با این زندگی غریب‌وار سراسر خطر و مشکل، جز راحت و بی‌دردسر بودن اولی و خطرناک و پر دردسر بودن دومی، چیست؟

قصه، جواب محکم و قانع‌کننده‌ای به این سؤال‌های اساسی که بنیاد داستان را شدیداً سست می‌کند و حتی درهم می‌ریزد، نمی‌دهد. بنابراین، خواننده حق دارد چنین نتیجه بگیرد که این مهاجرت، جز یک ماجراجویی کودکانه (در واقع جوانانه) نیست.

البته، میل به شناختن جهان و دانستن بیشتر از آن، یک میل متعالی و قابل تقدیر است. اگر قصه از ابتدا تا انتها، محور خود را بر این تمایل می‌گذاشت، بسیاری از مشکلات فعلی داستان، حل بود، اما در آن صورت، روال فعلی داستان، تغییرات اساسی می‌کرد. زیرا در آن حالت، دیگر آن سر زیر آب کردن‌ها(!) و پلیس و ساواکی و چریک‌بازی‌ها و خنجرکشی‌ها و اتحاد و مبارزه و امثال آن‌ها لازم نبود.

این همه ضعف و اشکال و... چنان اسطوره‌ای ساخته شود.

✓ زن روز / شماره ۱۸۲۵ / ۶ بهمن ۱۳۸۰

نقش قصه در زندگی کودکان

گفت‌وگو

در این مطلب، با تنی چند از نویسندگان و دست‌اندرکاران قصه‌گویی، گفت‌وگویی صورت گرفته است.

حسین فتاحی، با اشاره به افزایش میزان کتاب‌ها و مجلات منتشرشده برای کودکان، نسبت به ۲۰-۲۰ سال گذشته، پایین بودن فرهنگ مطالعه در خانواده را یکی از عوامل کم مطالعه کردن کودکان، نسبت به میزان مصرف وقت برای دیگر رسانه‌ها می‌داند.

قمری دشتی، مربی کانون و قصه‌گوی برتر سال ۷۹، عمر گرانش به قصه‌گویی را برابر با عمر بشر دانست.

دکتر شهلا کاظمی‌پور، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران، قصه‌گویی را پل ارتباطی والدین و کودک می‌داند.

فتاحی، با اشاره به این که کارتون، تخیل کودک را محدود می‌کند، افزود:

اگر قصه می‌خواهد با این رقبای قدرتمند مانند کارتون، فیلم و بازی‌های رایانه‌ای مبارزه کند، باید به میزان جذابیتش بیفزاید. در همین دوره که همه از عدم استقبال بچه‌ها به کتاب قصه‌ها می‌نالند، می‌بینیم که قصه‌های «هری پاتر» در مدت چندماه، میلیون‌ها جلد فروش می‌کند.

✓ کتاب هفته / شماره ۲۳ / ۲۰ بهمن ۱۳۸۰

وضعیت نشر کتاب‌های علمی برای کودکان در ایران

نویسنده: مجید آل‌ابراهیم

کژارش

اگر بخواهیم نمره بیست به کتاب‌های علمی منتشر شده در چند دهه اخیر بدهیم، بدون شک چیزی پیدا نمی‌کنیم.

از دیدگاهی دیگر، اگر قرار باشد تفاسیر دست‌انداران و مبلغان بهرنگی و کتاب «ماهی سیاه کوچولو» را بپذیریم، این قصه، به نوعی، تحریف تاریخ مبارزات مردم مؤمن ایران علیه استبداد و استعمار و تحقیر این مردم است.

نکته‌ای دیگر در مورد داستان، آن که با توجه به سطح شعور سیاسی مردم در سال‌های قبل از ۱۳۵۶، حرف اصلی این کتاب، ربطی به دوره دبستان ندارد که هیچ، در مورد دوره راهنمایی نیز جای تردید دارد. کتاب، قصه‌ای است برای بزرگسالان، با زبان و شکلی کودکانه.

اشکالات منطقی و نگارش داستان؛ ماهی سیاه کوچولو، علی‌رغم اسمش، نماینده نسل جوان انقلابی روشنفکر و اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، خود صمد بهرنگی است.

او موجودی است که اندیشه‌ای مجرد و فلسفی دارد و آن‌قدر متکی به خود و در راهش مصمم است که ترک خانواده و دیار می‌کند و تن به هجرتی طولانی می‌دهد. اما همین موجود، در یکی دو جا تا حد یک بچه خردسال، کوچک می‌شود.

ماهی کوچولو به هر که می‌رسد، در معرفی خود می‌گوید: من ماهی سیاه کوچولویی هستم که... اولاً نجسب و غیرمنطقی است و ثانیاً به همان تناقضی که در شخصیت او وجود دارد (گاهی خیلی کوچک، گاهی خیلی بزرگ شدن)، دامن می‌زند.

به این ترتیب، می‌بینیم شهرت و تیراژ بالای مشهورترین کتاب کودکان و نوجوانان قبل از انقلاب، هم‌چنین شهرت بسیار نویسنده آن، نه به دلیل کیفیت هنری والای قصه و تیوغ نویسنده آن، بلکه بیشتر به «بودار» بودن قصه و تبلیغات گسترده‌ای که از طرف چهره‌های مشهور ادبی و هنری و افراد و گروه‌های سیاسی ضد رژیم، در آن زمان در مورد آن می‌شد و جوایز جهانی‌ای که نقاشی‌های کتاب گرفت، مربوط می‌شود.

و باز می‌بینیم که جو غالب و «سیاسی کاری» منتقدان آن زمان، از یک طرف و ضعف شدید اطلاعات فنی اغلب آنان راجع به این نوع قصه‌ها از سوی دیگر، چگونه باعث می‌شود که از قصه‌ای با

برای نمره بیست، کتاب باید حتماً با فرهنگ ایرانی همخوان باشد، صحیح باشد، بدآموزی یا کج آموزی نداشته باشد، روان و ساده باشد، جذاب باشد، حس کنجکاوی کودک را تحریک کند، تهیه آن ساده باشد و دهها شرط و اصل دیگر که جای بحث روی آن‌ها این‌جا نیست.

با کمی واقع‌بینی، می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که وضعیت بد کتاب‌های علمی کودکان در ایران، به سه عامل پدیدآورنده، مصرف‌کننده و ناشر مربوط می‌شود.

در مورد پدیدآورندگان، باید گفت که متأسفانه، کشور ما دچار کمبود یا بهتر بگوییم، نبود پدیدآورندگان حرفه‌ای کتب علمی عامه‌فهم، برای تمام گروه‌های سنی است. در این میان، وضعیت برای گروه سنی کودک و نوجوان بسیار بدتر است.

به ندرت می‌توان استاد، اهل فن یا متخصصی یافت که هم بر مطلبی که قصد ارایه آن را دارد، تسلط کافی داشته باشد و هم بتواند آن مطلب را به زبانی ساده و دقیق بیان کند. در جوامع پیشرفته، ساده‌نویسی مطالب علمی، خود تخصصی بسیار مهم و بالارزش است.

کم نیستند کتاب‌هایی که توسط مؤسسات معتبر نشر می‌شوند، ولی به این که آیا مطالب ترجمه شده برای مردم ما نیز قابل درک و فهم هستند یا نه، توجهی ندارند.

خلاصه می‌توان گفت که از نظر نشر کتب علمی برای کودکان و نوجوانان، کشور ما دچار نقیصه‌ای جدی به نام پدیدآورنده است.

اما ببینیم وضعیت مصرف‌کنندگان این کتاب‌ها چه‌گونه است. اگر چه مصرف‌کننده یا خواننده این کتاب‌ها کودکان و نوجوانان هستند، معمولاً والدین آن‌ها را تهیه می‌کنند. حساسیت والدین، اغلب در انتخاب کتاب برای کودکان، حساسیت روی کیفیت چاپ و نوع کتاب است و بسیار اندکند پدران و مادرانی که قبل از این که کتاب را در اختیار کودک بگذارند، خودشان آن را مطالعه و در مورد کیفیت و صحت و سقم مطالب منتشره در کتاب، دقتی کرده باشند.

متأسفانه، در کتاب‌های کودکان، گاهی با اشتباهات فاحش علمی روبه رو می‌شویم که یا با ترجمه بد به وجود آمده یا با انتخاب اثر اولیه برای ترجمه. این اشتباهات، اثر مخربی بر ذهن کودکان کنجکاو ما می‌گذارد.

از این رو، بهتر است مرکزی به وجود آید که چه والدین و چه پدیدآورندگان، بتوانند به عنوان مرجعی معتبر، به آن مراجعه کنند و کتب مورد نیاز خود را فراهم آورند.

اما رکن سوم یا ناشر، یکی از مهم‌ترین عوامل این بحران است. از بهترین راه‌هایی که می‌توان نسلی پرسشگر برای آینده تربیت کرد، نشر کتب علمی برای کودکان است. در این میان می‌توان حداقل از کارهایی که در آن سوی مرزها انجام می‌شود، الگو گرفت.

✓ ایران / شماره ۲۰ / دی ۱۳۸۰

ویژگی‌های ادبیات کودک و نوجوان

مقاله

ادبیات کودک و نوجوان که از نظر ارزش هنری، با ادبیات بزرگسالان برابر است، سه ویژگی مهم دارد:

نخست این که با زبان و بیان، درک زبان نوشتاری، تخیل و تجربه‌های کودکان و نوجوانان، متناسب است. از این رو، برای هر گروه سنی کودک و نوجوان، از متن‌ها و موضوع‌ها و زبان و بیان متناسب با فهم و درک آن‌ها استفاده می‌شود.

دوم آن‌که به رشد و پرورش شخصیت خواننده کمک می‌کند و به این نکته توجه دارد که دوران کودکی و نوجوانی، مهم‌ترین سال‌های شکل‌گرفتن و پرورش احساس و اندیشه است. از این رو، از آن چه سبب یأس و بدبینی و بدخواهی می‌شود، پرهیز می‌کند.

سوم آن‌که اهمیت تصویر را برای کودک و نوجوان، برابر با اهمیت نوشته می‌داند و همواره بخشی از پیام خود را به کمک تصویر بیان می‌کند. به همین سبب، کتاب‌های تصویری کودکان خردسال که حتی گاه نوشته‌ای به همراه ندارند، در ادبیات

موفقیت نویسنده در رساندن پیام، تناسب قالب، تکنیک چاپ، نوع کاغذ، نوع حروف، طرز صحافی، جلد کتاب، تصاویر و نقاشی‌ها و... نیز از عوامل بسیار مهمی هستند که در مناسب بودن یک اثر برای کودکان و نوجوانان دخیل‌اند.

کودکان و نوجوانان، ارزش بسیار دارند. طبعاً درباره خصوصیات یک اثر مناسب برای کودکان، نکات دیگری را نیز می‌توان برشمرد؛ از جمله واقع‌گرایی، منع پیش‌داوری‌های غیرمنطقی، و داشتن کودک به سازندگی و کار...

✓ سال هفتم / زمستان ۱۳۸۰ / شماره ۲۷

پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان

مقاله

- پرسش از گذشته

نویسنده: علی‌اصغر سیدآبادی

- تأملاتی اساسی در باب اسطوره و باز نویسی

نویسنده: آرش ابوترابی

- ادبیات سنتی؛ ویژگی‌ها و انواع

نویسندگان: کارول لینچ براون و کارل. ام. تاملینسون

مترجم: پروناز نیری

- بررسی چهار قصه عامیانه ایرانی

نویسنده: محمدرضا شمس

- دیو مظهر خشونت در ادب کهن

نویسنده: منصور یاقوتی

میزگرد

- متون کهن مقدس نیستند!

با حضور ابراهیم اقلیدی، شهرام رجبزاده و

محمد شریعتی

بایان‌نامه

- بررسی داستان‌های مناسب بوستان سعدی

برای کودکان و نوجوانان

نویسنده: شایسته کسرخ

نقد

- گونه‌شناسی قصه‌های برادران گریم

نویسنده: نلد. روح‌الله مهدی‌پور عمرانی

نقد مجموعه: قصه‌های برادران گریم (پنج جلد)

مترجم: اردشیر نیک‌پور

در شارع عام شعر نوجوان

نویسنده نقد: عرفان نظراهارای

نقد کتاب: کسی شبیه بهار (نویسنده: سیدسعید

هاشمی) و سفرنامه بوی گل (نویسنده: پدram

پاک‌آیین)

- وقتی که زبان به سخن درمی‌آید

نویسنده: شکوه حاجی‌نصرت‌الله

- مرزبندی‌های اجتماعی در آثار محمدی

نویسنده: شهره کاندی

- فقدان روش‌مندی

تأملی بر «روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان»

نویسنده: مهدی جوانی

نقد کتاب: روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان

نویسنده: محمدهادی محمدی

- تحلیل ساختاری گاوهای آرزو

نویسنده: علی‌عباسی

نقد کتاب: گاوهای آرزو

نویسنده: محمدهادی محمدی

✓ کتاب ماه کودک و نوجوان / سال چهارم / شماره ۹ / شماره

بردهی ۵۱ / دی ۱۳۸۰

یادداشت

- مخاطبان ما را گم کرده‌اند یا ما مخاطبان را؟

نویسنده: حسین بکایی

- حسن پستار رفت

نویسنده: شادی وطن‌پرست

گزارش

- وزارت ارشاد پاسخ نمی‌دهد!

نویسنده: مریم آریایی

- نقد زیبایی شناختی در ادبیات کودک
- بررسی تصویرگری دههٔ چهل - ۱
گزارش ششمین نشست نقد آثار تصویری

گفتگو

- پرسش‌های دختری جوان درباره خدا
مصاحبه با سوزان فلچر
شریل بولن
مترجم: سیمین شبانی

مقاله

- کسب هویت در ادبیات کودکان پور توریو
نویسنده: کنسولو فیکونراس
مترجم: شقایق قندهاری

نقد

- آینده‌ای که کودکان از آن می‌گریزند
نویسنده: شهره کاندی
نقد کتاب: نمایشی در کهکشان
نویسنده کتاب: کلیان رابین اشتاین
مترجم کتاب: محبوبه نجف‌زانی
- فرهنگ جغرافیایی برای کودکان و نوجوانان
نویسنده: کورش امیری‌نیا
نقد کتاب: فرهنگ جغرافیایی برای کودکان و نوجوانان
تالیف کتاب: دیک بیتمن

مترجمان کتاب: دکتر سیاوش شایان و نازیلا بهمنی

- شعر منهای پرواز

نویسنده: جمال‌الدین اکرمی

نقد کتاب: سفرنامه بوی گل

شاعر کتاب: پدram پاک‌آیین

تصویرگر کتاب: ابوالفضل همتی آمویی

- چطور می‌توان یک میلیون پوند را خرج کرد؟

نویسنده: ترکس نجفی

نقد کتاب: مت میلیونر

نویسنده کتاب: اندرو نوریس

مترجم کتاب: زهره فرنییا

- بازخوانی روایت‌های همسان

نگاهی به مجموعه ۲۰ جلدی زندگانی پیامبر

نویسنده نلد: روح‌الله مهدی‌پور عمرانی

- که «نو» را حلاوتی دگر است!

نویسنده نلد: آرزو انواری

مجموعه کتاب: دنیای کوچک من (چهار جلد)

نویسنده کتاب: نادین هان

مترجم کتاب: پدram بهارلو

- افراط در شخصیت‌پردازی تفریط در

روایت‌گری

نویسنده: سیدمحمد طلوعی‌برازنده

نقد کتاب: لی‌لی لی‌لی حوضک

نویسنده کتاب: م. آژاد

تصویرگر کتاب: مرتضی زاهدی

- تحلیل شخصیت‌های «آقای روباه

شگفت‌انگیز»

ترجمه: محبوبه نجف‌زانی

- جادوی «هری پاتر» همه‌جا را پر کرده!

نویسنده: لیلا اسفاری

- از قلم کودکان و نوجوانان

نگاهی به داستان «کزال در ترنج»

نقد کتاب: سرزمین ما ایران

نویسنده کتاب: فروزنده خداجو

تصویرگر کتاب: علی خدایی

✓ کتاب ماه کودک و نوجوان / سال پنجم / شماره چهارم / پدید

۵۲ / بهمن ۱۳۸۰

سخن ماه

چشم‌ها را باید نشست

نویسنده: حسین بکایی

گزارش

- گزارش کوتاه از پنجمین جشنواره

مطبوعات کودک و نوجوان

- گزارشی از مراسم افتتاحیه و اهدای جوایز

پنجمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

- روزی که همه خندیدند

- بازنشستگی ابراهیمی، نقطه شروع کار است

نویسنده: شادی وطن‌پرست

- بایرامی جایزه «مار عینکی آبی» را برد
چهار روایت از یک مراسم (اهدای جایزه
«کبرای آبی» به «کوه مرا صدا زد»)
- بازی و لذت از منظر فلسفه
شانزدهمین نشست فرهنگی انجمن نویسندگان
کودک و نوجوان
- مخاطب‌شناسی ادبیات کودک
- زبان فارسی و احساس ناتوانی مترجم
گزارشی از سومین نشست نقد کتاب‌های
علمی - آموزشی کودکان و نوجوانان

گفت‌وگو

- دوست دارم درباره زنان بخوانم
گفت‌وگو با «لونیس لوری»
مترجم: کیوان آشتیانی

مقاله

- کتاب‌های علمی چاپ شده در هند
نویسنده: بیلپ، ام سالوی
مترجمان: زهره اسطی - صدیقه امینایی

پایان‌نامه

- دور فکرم خطی می‌کشم
موضوع پایان‌نامه: هماهنگی تکنیک و
موضوع در تصویرسازی کودک
نویسنده: مهرزاد طاهری

نقد

- شعر کودک و نوجوان در قلمرو تردید
نویسنده: جمال‌الدین اکرمی
نقد کتاب: شعر در حاشیه
نویسنده کتاب: علی‌اصغر سیدآبادی
- ... چون او تغییر کرده است
نویسنده: شنیدا رنجبر

نقد کتاب: عروسک پدر
نویسنده کتاب: پائولینا کالورت
مترجم کتاب: شقایق قندهاری
- بهترین شهریار! برترین شهریار

نویسنده: شهره کاندی
نقد کتاب: قصه شیرین یادگار زیران
نویسنده کتاب: محمدرضا یوسفی
- دو پیکره چند پیام
نویسنده: روح‌الله مهدی‌پور عمرانی
نقد کتاب: موش پرخور
نویسنده کتاب: منوچهر کی‌مرام
تصویرگر کتاب: علی مفاخری
- ده فرمان
نویسنده: سید محمد طلوعی برازنده
نقد کتاب: هر کسی باید سنگی داشته باشد
نویسنده کتاب: بایرو بیلر
مترجم کتاب: لیدا کاووسی
- ای جادوگر! در حیاط خانه‌ات چه داری؟
نویسنده: اسانه شاپوری
نقد کتاب: جادوگر و رئیس پلیس
نویسنده کتاب: پی‌یر گریپاری
مترجم کتاب: فرزانه مهری
- زندگی را باید چشید
نویسنده: شهناز صاعلی
نقد کتاب: مزه زندگی
نویسنده کتاب: مصطفی خرامان
- شاهزاده و گدایی دیگر
نقد و تحلیل شخصیت‌های «پسرک
شلاق‌خور»
مترجم: مریم واعظی
- و اما زندگی...
از قلم کودکان و نوجوانان
نقد کتاب: شادی‌ها و غم‌های تنهایی
نویسنده کتاب: سپیده خلیلی

✓ کتاب ماه کودک و نوجوان / سال پنجم / شماره پنجم و ششم /
پس‌ری ۵۲ و ۵۳ / اسفند ۱۳۸۰ - فروردین ۱۳۸۱

سخن سردبیر

- پشت غبار فراموشی
نویسنده: مهدی ججوانی

یادداشت

- دلم برای سیروس تنگ شده است!
نویسنده: حسین بکایی

گزارش

- در کلاس تجربه‌ها
گزارش هفتمین نشست نقد آثار تصویرگری
بررسی تصویرسازی دهه چهل - ۲
- تصویرگری کتاب کودک در دهه ۴۰
مروری بر تصویرگری معاصر در ادبیات
کودکان و نوجوانان
نویسنده: جمال‌الدین اکرمی

- ادبیات کودکان، عقب‌تر از ادبیات نوجوانان
گزارشی از پنجمین دوره انتخاب کتاب سال
ماهانامه‌های سلام بچه‌ها و پوپک
- چرا کودکان و نوجوانان کتاب نمی‌خوانند؟
نویسنده: حمیدرضا داداشی
- انجمن نویسندگان کودک و نوجوان
از نگاه اعضای انجمن نویسندگان کودک و
نوجوان

نویسنده: شادی وطن‌پرست

- معلم باید کتاب آموزشی را انتخاب کند
گزارشی از چهارمین نشست نقد کتاب‌های علمی -
آموزشی کودکان و نوجوانان

مقاله

- کارکرد زبان در ادبیات کودک (۵)
نویسنده: مורای ناولز، کرسنن مامجن
مترجم: شهرام الببال‌زاده

نقد

- وقتی خدا از پادشاهی خسته شد
نویسنده: زری نعیمی
نقد کتاب: نامه‌های بچه‌ها به خدا

گردآورندگان کتاب: استوارت هامیل و اریک مارشال

مترجم کتاب: دل‌آرا قهرمان
- نقد روان‌شناختی
نویسنده: شهره کاندی

نقد کتاب: بلندترین نامه جهان
نویسنده کتاب: نیکول اشنیکان

مترجم کتاب: طاهره علوی
- هیجان، لذت، بازی
نویسنده: محبوبه نجف‌خانی

نقد کتاب: دنی، قهرمان جهان
نویسنده کتاب: رولد دال

مترجم کتاب: مهدی وثوق
- شعر کودکان یا کودکان شاعر؟
نویسنده: روح‌الله مهدی‌پور عمرانی

نقد کتاب: شاعر قاصدک‌ها و راوی آینه‌ها
(متن دوزیانه)

نویسندگان کتاب: صوفی و حسین مصطفوی
- هیس! پروانه‌ها خوابند
نویسنده: جمال‌الدین اکرمی

نقد کتاب: خواب پروانه‌ها
نویسنده کتاب: میچو مادو

مترجم کتاب: احمد پوری

- راه مدرسه از کجاست؟
نویسنده: مریم واعظی

نقد کتاب: فردا به مدرسه می‌روم
نویسنده کتاب: میرا لویه
مترجم کتاب: آذر محمودی

- گذر از ماه به ماه؟
نویسنده: حمیدرضا حقیری

نقد کتاب: ماه بود و رویاه
نویسنده و تصویرگر کتاب: آنامیتا تیموریان

- نگاه مخاطبان به کتاب
«پشت درخت‌ها را می‌بیند»
نویسنده کتاب: مایکل دوریس

مترجم کتاب: حسین ابراهیمی (الوند)